

باور دینی

رسول رسولی پور*



در تابستان سال ۱۳۸۴ و نیز بهار ۱۳۸۵، در مجموع به مدت چهار ماه فرصت یافتیم که به دعوت رئیس دانشکده فلسفه دانشگاه آکسفورد^۱ برای انجام یک پژوهش فلسفی زیر نظر ریچارد سوئین برن، استاد بازنشسته اوریل کالج دانشگاه آکسفورد به انگلستان سفر کنیم. موضوع مورد نظر پژوهش در «زبان‌شناسی دینی» بود (متناسب با حوزه مطالعاتی‌ام در دوره دکتری در هندوستان). اما به پیشنهاد پرفسور سوئین برن روی موضوع «باور دینی» متمرکز شدم.

کار را با دو سؤال اصلی در مورد «باور» آغاز کردیم:

۱. آیا انسان در باور به یک گزاره مختار است؟
 ۲. آیا می‌شود فردی را به دلیل ناباوری به گزاره‌ای (هم‌چون «خدا وجود دارد») مقصر دانست؟
- دو منبع اصلی این تحقیق: عقل و ایمان نوشته سوئین برن و باور دینی و اراده نوشته لویی پویمین بود.^{۲،۳}
- منابع دیگری نیز مورد استفاده قرار گرفت که تعدادی از آن‌ها در پایان نوشتار آمده است.^۴
- سوئین برن در بخش اول کتاب عقل و ایمان؛ فصل اول: «طبیعت باور»، فصل دوم: «باور عقلانی»، فصل سوم: «ارزش باور دینی» به عنوان تحلیلی

برای مفاهیمی که بر یک بنای عقلانی و با دلایل مستنتج از قرائن و شواهد، انسان را به این سؤال رهنمون می‌سازد که «آیا دین‌ورزی نمایی؟» و در صورتی که پاسخ مثبت بود، «چه دینی را برگزیند؟».

سوئین‌برن معتقد است که در هر باور دینی، دلایلی عقلانی موجود است، زیرا برای یک مؤمن ضروری است که دینی را که انتخاب نموده صادق و حقیقی بداند، اما چه نوع باوری برای دین - ورزی لازم است و دارا بودن چه نوع باوری، عقلانی‌تر است؟ سوئین‌برن که به طور خاص مسیحیت را روا می‌دارد، در فصل چهارم کتاب: «طبیعت ایمان» به سؤالاتی در این زمینه پاسخ می‌دهد.

در بخش دوم عقل و ایمان، سوئین‌برن به چند و چون تنوع تجربه دینی می‌پردازد. او معتقد است که فرد مؤمن باید سه هدف را دنبال کند. فصل پنجم: «هدف دین»، پرستش و فرمانبرداری خدا، دست‌یافتن به رستگاری، و کمک به دیگران برای رستگار شدن. اولین هدف، تنها توسط کسانی که «وجود خدا» را پذیرفته‌اند حاصل می‌شود و هدف‌های بعدی با توجه به صورت‌بندی‌های مختلف ادیان برای رستگاری، از طرق مختلف تحصیل می‌شود. با مقایسه باورهای دینی مختلف، سوئین‌برن در فصل ششم: «نقش عقیده‌ها» را آورده است که فرد باید به دینی که بهترین است و درجه احتمال درستی‌اش نسبت به ادیان دیگر بیشتر است ایمان بیاورد.

سرانجام وی ضمن بررسی چند معیار کاربردی برای راستی - نمایی باور دینی و میزان و درجه احتمال اعتماد به یک دین، نتیجه می‌گیرد که باور صادق به نظر می‌رسد که نمی‌تواند کاملاً ما را متقاعد نماید (پیوست کتاب: «ایمان داوطلبانه است»).

در ویرایش دوم کتاب عقل و ایمان (۲۰۰۵) سوئین‌برن در صدد بر آمده است تا به دو اثر متأخر نسبت به چاپ اول کتابش، یعنی تفسیری از دین به قلم جان هیک انگلیسی (۱۹۸۹) و کتاب باور مسیحی تضمین شده از اولین پلانتینگا آمریکایی (۲۰۰۰) و مقالات دیگری که با نظراتش در عقل و ایمان تفاوت و تعارض دارند، پاسخ دهد.

اما باور دینی چیست؟ دیوید هیوم اولین فیلسوفی است که مفهوم باور را به طور جدی در جایگاه خودش مورد توجه قرار داده است. او برای اولین بار بر «روانشناسی باور» تمرکز یافته و نشان می‌دهد که باور بیشتر شبیه به «احساس» است تا «فهم».^۵

سوئین‌برن بر خلاف هیوم از یک سو و کسی یرکگور از سوی دیگر، به سازگاری کامل بین «عقل و ایمان» (هم‌چون کانت) معتقد است. او ایمان را نه در برابر عقل می‌نشانند و نه فراتر از آن.^۶ اساساً نگره‌ای در بین اندیشمندان مسیحی که عقل را به دلیل گناه نخستین آورده می‌بیند، ایمان را در برابر و برتر از عقل می‌شمارد.



سوئین‌برن در عین حال، هم‌چون کلیفورد همیشه، همه جا و برای هر کس باور به چیزی را بدون قرینه‌ی کافی غلط می‌داند.^۷ سوئین‌برن به طور کلی معتقد است که انسان در مورد باورهایش نمی‌تواند دست به انتخاب بزند. باور چیزی است که برای انسان پدید می‌آید نه کاری که انسان آن را انجام می‌دهد.^۸

اگر باور تحت کنترل ما بود، آن وقت باورهای پایه و درجه اعتماد به باورها نیز تحت کنترل ما در می‌آمد و حتی استاندارد برهان استقرایی نیز به میل و اراده ما می‌شد. در عین حال که باور ما زاییده اراده ما نیست و به اراده ما هم زایل نمی‌شود، اما ما می‌توانیم با مواجه ساختن خود با دلایل و شواهد دیگر (به طور گزینشی)، زمینه از دست دادن باوری و جایگزین شدن باور دیگری را تدارک ببینیم. با این وجود، اگر بدانیم میل ما به سوی نتیجه‌گیری خاصی است، نتیجه حاصل را نمی‌توانیم باور بنامیم.

از نظر سوئین‌برن همه انسان‌ها خواهان سعادت و خیر دراز مدت در زندگی و حیاتشان هستند، پس طبیعی است طریق بدست آوردن آنرا نیز طالب باشند. اگر کسی استعداد و توان تحقیق دارد، بر او تکلیف اخلاقی است که این کار را هم برای خود و هم برای دیگران انجام دهد. از طرف دیگر، تکلیف داریم که اگر خدایی نیست، خودمان را به اعمال و مناسک سرگرم نکنیم! اگر خدایی باشد و ما این را بدانیم، فایده‌اش این خواهد بود که از طریق او راه و رسم درست زیستن و استفاده بهینه از زندگی را بدست آوریم. اهمیت باور به خدا در صورتی که خدا وجود داشته باشد از باور نداشتن به خدا در صورتی که خدایی نباشد بیشتر است (به دلیل تکالیف و منافع بیشتر باور اول).

سوئین‌برن بر خلاف کانت که متأثر از هیوم تنها پدیده‌های مشهود حسی را زمینه آگاهی و علم می‌داند، دانش را منحصر به امور حسی نمی‌داند. سوئین‌برن به نقد نظر کارل بارت که معتقد است خدای اثبات شده توسط براهین فلسفی یا خدای مسیحیت متفاوت است^۹ و نیز نظر جان هیک که معتقد است باورهای مذهبی باورهایی است اساسی که با عقل قابل اثبات نیست^{۱۰} می‌پردازد. سوئین‌برن با اشاره به «آزادی معرفتی» بیان شده از سوی جان هیک، تأکید می‌کند که انسان‌ها باید در پژوهش عقلی و بر اساس شواهد بدست آمده و با سعی و تلاش به نتیجه باور به خدا برسند.

در صورتی که تحقیق، انسان را از عمل باز دارد، نه به این دلیل که وقت برای عمل کم می‌شود، بلکه به دلیل شک مخربی که در حال تحقیق انجام عمل را سخت می‌کند، سوئین‌برن به تبع کاردینال نیومن معتقد است که باید وقت کمتری بر تحقیق گذاشت و عمل را ترک نکرد.^{۱۱}

سوئین‌برن معتقد است که ناباوران به خدا، موردی برای تجربه عدم وجود خدا ندارند که به حرفشان اعتماد و باور کنیم، اما دین باوران چیزی به نام خدا را گواهی می‌دهند. سوئین‌برن با اشاره به «شرط‌بندی پاسکال»^{۱۲} احتمال دیگری



را به دو احتمال بیان شده از سوی بلز پاسکال می‌افزاید. احتمال سوم این است که با خدایی در آخرت مواجه شویم که خدای مسیحیان نباشد. و با این احتمال، ممکن است دین باوران مسیحی به‌رغم باور به خدا به بهشت و سعادت نرسند و غیر مسیحیان جایگاه بهشت پیدا کنند و مسیحیان جهنم.^{۱۳}

سوئین‌برن با حمایت از نظر بازیل میشل معتقد است دین باور در طول تحقیق شواهد له و علیه اعتقاداتش نمی‌تواند اعمال و مناسک گذشته اش را کنار بگذارد.^{۱۴} وی معتقد است تنها در صورتی که بدانیم (وقتی دلایل له و علیه مساوی است) باور نداشتن به خدا می‌تواند زمینه یک سری اصول اخلاقی مستقل باشد که در صورت باور داشتن از آن‌ها محرومیم، جایز است اخلاقی غیر الهی داشت و آن‌را توصیه نمود. البته سوئین‌برن در این مورد تشکیک جدی می‌کند.^{۱۵}

سوئین‌برن در آبان ماه ۱۳۸۴ به دعوت مؤسسه حکمت و فلسفه ایران به مدت یک هفته به ایران آمد و در محل این مؤسسه در تهران و هم‌چنین در دانشگاه اصفهان چند سخنرانی ایراد نمود.^۱

پی نوشت:

* عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم تهران

-Stump, E., *Reasoned Faith*, (ed.), Cornell University Press, 1993

-Ferreira, J., *Skepticism and Reasonable Doubt*, NY: Oxford University Press, 1986.

5. See: Hume, D., *A Treatise of Human Nature*, Appendix, Oxford University Press, 1978.

۶. ژان کالوین، کارل بارت، و آلوین پلاتنینگا از جمله قائلان به برتری ایمان.

7. See: Clifford, W.K., 'The Ethics of Belief' in *Lectures and Essays*, London: Macmillan, 1879.

8. Swinburne, R., *Faith and Reason*, P. 25.

9. See: Macquarie, J., *Twentieth Century Religious Thought*, 1971.

10. See: Hick, J., *Faith and Knowledge*, Ithaca, NY: Cornell University Press, 1957.

11. Swinburne, R., *Faith and Reason*, P. 88.

12. See: "Pascal's Wager" in Pascal, B., *The Pensees*, trans. J.M. Cohen, Penguin, 1961..

13. Swinburne, R., *Faith and Reason*, P. 94.

14. Mitchell, B., *The Justification of Religious Belief*, Macmillan, 1973.

15. Swinburne, R., *Faith and Reason*, P. 97.

1. John Hyman.

2. Swinburne, Richard, *Faith and Reason*, Oxford: Clarendon Press, 1981.

3. Pojman, Louis, *Religious Belief and the Will*, London: Routledge & Kegan Paul, 1986.

4. Williams, B., 'Deciding to Believe' in *Problems of the Self*, Cambridge University Press, 1973.

-Adams, R.M., *The Virtue of Faith and Other Essays in Philosophical Theology*, NY: Oxford University Press, 1987.

-Newman, J.H., *An Essay in Aid of the Grammar of Assent*, Indiana: Notre Dame University Press, 1979.

-Price, H.H., *Belief*, London: Allen & Unwinds, 1969.

-Helm, P., *Faith and Reason*, (ed.), Oxford University Press, 1999.

-Fey, W.R., *Faith and Doubt*, Virginia: Patmos Press, 1976.

-Penelhum, T., *Reason and Religious Faith*, (ed.), Peruses Books Group, 1995.